

با اجازه مافوقترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گل‌های راهنمایی جلد دوم

پرهیز از جدائی

اصل وحدت

پس از این که روشن شد که اصل عالم بر پایه وحدت استوار است و اتصال و پیوند ناگسستنی، خدا و عالم لایتناهی را به هم پیوسته آنگاه باید جدائی مصنوعی و موقت را مخوف و وحشتناک دانست همانطور که جدائی افکندن بین اتمها در بمب اتمی موجب این همه غوغای شگفت انگیز و خرابیهای پر دامنه می گردد.

از جدائی پرهیزیم

پس همه ما باید این اصل را در نظر بداریم و مخصوصاً پس از اطلاع یافتن از این حقیقت تصمیم بگیریم که از هر عملی که موجب جدائی و نفاق و دوری از یکدیگر می شود جداً پرهیزیم. آری برای آنها که از حقیقت آگاه شده اند دانستن این موضوع مهمتر است زیرا کسی که می داند با آن که نمی داند مساوی نیست و اینها تفاوت بسیار با یکدیگر دارند. همین اندازه که انسان از چیزی آگاهی یافت به همان مقدار بار مسؤلیت تبعیت از آن دانستن بر او بار می شود و بایستی آداب آن امر را کماهو حقه انجام دهد.

مراقبت دائم

اطلاع از این حقیقت یک احتیاط و مراقبت دائمی را ایجاب می کند مثل مراقبت کسی که مأمور حفظ یک انبار باروت است که باید شبانه روز بیدار و هوشیار باشد. بایستی از هر عملی، سخنی و حتی پنداری که خلاف وحدت و اتصال باشد خودداری نمود. باید از هر کاری که موجب ایجاد جدائی و فاصله می گردد جلوگیری کرد. نبایستی با زبان یا رفتار دوستان و نزدیکان را رنجاند و دوری _ ولو موقت _ ایجاد نمود.

دوری در نظر روشنان

و اما آگاهان عالم که از حقیقت وحدت در جهان لایتناهی آگاهند بیش از همه از دوری دوستان رنج می برند و زخمی که از این دوری بر دل آنها می نشیند علاج ناپذیر است. رنج آنها تنها از دوری نیست بلکه آنها می دانند که این دوری در اثر جهل و خودخواهی و غفلت بوجود آمده است.

از زیانهای دوری

چون اتصال برقرار است دوری باعث رنج عده ای که از آنها جدائی حاصل شده می گردد. دوری باعث بریدن مسیر منظم کارها است و انسان را مثل کور سرگردان می سازد. نه تنها خود در حالت حیرانی می گذرانند بلکه عده ای را هم از راه منحرف می کند. این است که باید همیشه این نکته را در نظر داشته باشیم که از هر اقدامی که ولو مختصر و موقت و کوتاه باعث جدائی و بریدن است خودداری کنیم.

اتصال با همه افراد بشر

امری که در باره دوری بیان گردید محدود نیست بلکه مشمول اتصال با همه افراد بشر است. حالا که طبیعت یزدانی آنقدر به هم پیوسته و نزدیک است که جدائی در بین نیست و دوری و فاصله فقط ظاهر امر است آیا شایسته است که بشر به بهانه اختلافهای ظاهری رنگ که در اثر دخالت محیط و آب و هوا است و به خاطر نژاد که وابسته به عوامل جغرافیائی است و به خاطر اختلاف دین و به بهانه اینکه دستورات واحد الهی را اشخاص مختلفی ابلاغ کرده اند از یکدیگر فاصله گیرد و جدائی گیرند؟

امر و مشیت الهی چیست؟

در حالی که امر و مشیت الهی از ابلاغ دیانت، تربیت و هدایت بشر است و این راه واحدی است که در هر زمان بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی توسط رهبرانی از قوم بیان گردیده، آیا شایسته است که ما وحدت و دستور وحدت، مقصد وحدت در هدف را، فراموش کرده به بهانه اینکه پیام آوران الهی از هم جدا بوده اند اصل وحدت، دین را در بوتۀ اجمال گذاریم بلکه به خاطر اینگونه اختلافات جغرافیایی راه دشمنی و نفاق و دوئی پیش گیریم؟

پس ای برادر عزیز، عهد کن که از هر گونه دوری و جدائی بپرهیزی و از هر نفاق و دشمنی پرهیز کنی تا به خدای خود نزدیک شوی. بدان که داروئی برتر و بالاتر از وحدت ادیان وجود ندارد. خلاصه مطالب بالا در یک رباعی

از دوری و فراقتم چو ناسور ¹ شدم	یک چند ز دوری تو رنجور شدم
سرگشته به روزگار چون کور شدم	نادانی و خودخواهی و غفلت باعث

زخم سخت و التیام نا پذیر¹